

افسر روز سیزدهم

نقش معلمان کنشگر جهاد تبیین
در اغتشاشات تروریستی بعد از جنگ دوازده روزه



❖ مقدمه ❖

همگی شاهد بودیم که دشمن صهیونیستی- امریکایی در پی اعتراضات اقتصادی به حق مردم، جریان‌های بیگانه و تروریستی را ساماندهی و سازماندهی کرده و اعتراضات را به سمت اغتشاش و حملات تروریستی برد و جاه طلبانه و با خوی فرعونی خود از این حرکت‌های تروریستی و داعش گونه دفاع کرد.

این اعتراضات که می توانست در بستر مناسب خود می توانست زمینه ساز حل مسائل کشور گردد؛ خود تبدیل به یک مسئله جدی برای نظام شد.

حال دیگر شروع کنندگان اصلی این اعتراضات که در ابتدا عموماً بازاریان بودند، نقش آفرین نبودند و حتی باید بگوییم کمترین نقش را داشتند. کم کم گروه‌های سازماندهی شده، آموزش دیده و تروریست وارد صحنه گردانی این اعتراضات شدند و آن را از یک حرکت مدنی تبدیل به حرکت‌های تروریستی کردند.

این افراد -که تعدادشان آنچنان زیاد نبود- برای توسعه عملیات خود و انجام کارهای هیجانی نیازمند گروه‌هایی بودند که در کنارشان باشند و علاوه بر افزایش جمعیت در اغتشاش ها، از ظرفیت آنان در اعمال تروریستی خود بهره ببرند. پس نیاز بود به سراغ گروه‌های مختلف مردمی بروند و آنها را هم به میانه میدان بکشند. شواهد حاکی از این است که برای این کار سراغ گروه‌هایی رفتند که اولاً به راحتی در این تجمعات حضور پیدا کنند و نیاز به استدلال‌های عمیق نداشته باشند و در ضمن در زمانی که نیاز به عملیات‌های هیجانی است بهترین عملکرد را از نظر آنان داشته باشند یکی از این قشرها نوجوانان می باشند که عموماً در صنف دانش آموز قرار می گیرند.

اما آنچه دل یک مربی و معلم و فعال تربیتی را به درد آورد این است

که شاهد نقش آفرینی نوجوانی در بازه سنی ۱۲ تا ۲۴ سال بودیم. پُر واضح است که اکثریت این نوجوانان از نیات شوم و تروریستی دشمن غافل بوده‌اند و بیشتر برای تخلیه هیجانی و تحت تاثیر شبکه های مجازی و کانالهای ماهواره ای وارد صحنه اغتشاش شده‌اند.

با در نظر گرفتن فرض مورد نظر باید تدبیری اندیشید که این قشر بسیار مهم و آینده ساز کمترین آسیب را ببیند.

با توجه به اینکه این دانش آموز در فضاهای مختلفی زیست می کند و حداقل در نهاد مدرسه، محله و خانواده به صورت مستقیم درگیر است، به نظر می رسد هرچقدر این نهادها به تکالیف خود عمیق تر و دقیق تر عمل نمایند دانش آموزان در روزهای آتی و آینده کمترین آسیب را خواهند دید.

لیکن برای فعال شدن این نهادها میان داری یک فرد به عنوان کنشگر ضروری است. فردی که دانش آموز را می شناسد، تا حدود زیادی مورد اعتماد دانش آموز است، نهادهای یادشده هم او را می شناسند و همراهی نسبی دارند.

بهترین گزینه برای این کار یک معلم است.

معلمی که باید از پيله صرفاً آموزش درآمده و تربیت را مقدمه آموزش گرداند زیرا آموزش بدون تربیت به ثمر واقعی نمی رسد. ما در این کتابچه این معلم را «معلم کنشگر» می نامیم.

او می تواند مانند یک مشاور، طراح برنامه تربیتی و تنظیم گر بین این نهادها نقش آفرین باشد.

در ادامه ضمن بررسی بستر مناسب برای این کنش؛ یعنی مدرسه، به توانمندسازی معلم در راستای کنشگر شدن و همینطور نظام ارتباطی او با نهادهای یاد شده خواهیم پرداخت.

ضمن تشکر از دقت و مطالعه شما، تقاضا می کنیم نکات اصلاحی و تکمیلی خود را به آیدی Admin_rast@ در ایتا ارسال نمایید.

❖ چرا در جهاد تبیین مدرسه محور است؟ ❖

مدرسه صرفاً یک کالبد و در و دیوار سیمانی نیست، بلکه با توجه به وظیفه ذاتی اش و عناصر مرتبط با آن، یک نهاد اجتماعی است که می‌تواند به عنوان محور تربیت هم در رشد دانش‌آموزان و خانواده‌های ایشان که به صورت مستقیم با آنها در ارتباط است و هم در محیط پیرامونی خودش و به عبارتی محله‌ای که در آن قرار گرفته ایفای نقش کند و تبدیل به یک کانون پیشرفت محله بشود. لیکن این مدرسه تا زمانی که در آن عنصر متحرکی مانند یک معلم کنشگر وجود نداشته باشد، همان کالبد سنگی است و حرکت و تأثیر آن منوط به حرکت معلم است. **ما در این کتابچه، این معلم را معلم کنشگر می‌نامیم.**

کنشگر یعنی فردی که نسبت به پیرامون خود حساس است و مسائل و مشکلات پیرامونی خود را پیدا کرده و مانند یک راهبر اجتماعی سعی در حل این مسائل دارد. کنشگران برای حل مسائل از ظرفیت‌ها و فرصت‌های پیرامونی خود به بهترین حالت ممکن بهره می‌برند؛ آنها نقاط ضعف و تهدیدها را کشف کرده و درصدد زدودن آنها و تبدیل آنها به نقاط قوت و فرصت‌های تربیتی هستند. پس با توجه به مطالب یادشده، مدرسه بر اساس الگوی سند تحول، کانون پیشرفت محله است. مقطع کنونی که ما در آن قرار داریم، اتفاقاً اهمیت موضوعات یاد شده را دوچندان می‌کند، به عنوان مثال، در اغتشاشات و تحرکات تروریستی دی ماه گذشته، ما نقش گروه سنی ۱۲ تا ۲۴ سال را ۷۰٪ می‌بینیم، که مسلماً قشر

افسر روز سیزدهم

کثیری از این گروه سنّی دانش آموز مدرسه هستند یا مصاحبه‌هایی که بعد از اغتشاشات در فضای مجازی و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد، نشان دهندهٔ این بود که بسیاری از کسانی که تحرکات نابه‌نجار دارند و زود تحت تأثیر قرار گرفته و حرکت‌های هیجانی انجام می‌دهند، دانش آموز هستند.

با توجه به مثال‌های یادشده متوجه می‌شویم که نقشهٔ دشمن برای استفاده از این گروه سنّی بسیار بالاست، زیرا که این گروه سنّی دارای روحیات خاصّی هستند که بهره‌برداری از آنها را برای دشمن آسان‌تر می‌کند. مانند؛

ویژگی‌های اصلی و توضیحات تکمیلی	دسته
بومیان دیجیتال واقع‌گرا: کاملاً با فناوری عجین شده‌اند. به دنبال اصالت در تعاملات هستند، اما همزمان تحت فشار "نمایش کامل" در شبکه‌های اجتماعی قرار دارند، که منجر به ترس شدید از برملا شدن نقاط ضعف می‌شود.	هویت و اصالت دیجیتال
زیر سوال بردن ساختارها: پذیرش بسیار کم بایدها و نبایدهای والدین و مرجعیت سنتی. استقلال‌طلبی بالاست و به همین دلیل، امتحان کردن موارد ممنوعه (اغلب از طریق فضای آنلاین) روشی برای اثبات این استقلال است.	استقلال و مرجعیت
محوریت رفقا: تأثیر گروه همسالان (رفقا) در شکل‌دهی رفتار و ارزش‌ها بسیار قوی‌تر از خانواده است؛ این موضوع بر چالش نه گفتن به خواسته‌های گروه تأثیر می‌گذارد. اقتضائات غریزی دوران نوجوانی (مانند علاقه به جنس مخالف) به دلیل محدودیت‌های محیطی، به شدت به فضای آنلاین و ارتباطات پنهانی منتقل شده است.	تأثیر گروه و اجتماعی شدن

افسر روز سیزدهم

این معلم کنش‌های پنج گانه‌ای زیر را خواهد داشت؛

۱ محیط و کالبد مدرسه؛ از فضاسازی محیطی تا برنامه‌های پرورشی و تربیتی اجراشده در مدرسه

۲ عوامل انسانی حاضر در مدرسه؛ از نیروهای خدماتی، معلمان دیگر تا مدیر و معاونان مدرسه

۳ دانش آموزان؛ از تبیین و روشنگری به دانش آموزان تا تبدیل آنها به هسته‌های کنشگر

۴ محله؛ از مسجد محل، امام جماعت تا مؤثرین و بزرگان محل

۵ منزل؛ از والدین تا خواهران و برادران و از شنیدن مطالب تا تولید نقش برای آنها

شاید خوانندهٔ محترم به ذهنش این نکته برسد که یک معلم آیا توانایی این حجم از فعالیت را دارد که به تفصیل در فصل اول کتابچه به آن اشاره خواهد شد. ان شاء الله

چگونه یک معلم کنشگر شویم؟

با توجه به مباحث قبلی، وجود معلم کنشگر برای رسیدن به اهداف یادشده ضروری به نظر می‌رسد. اگر بخواهیم بدانیم که آیا ما معلم کنشگر هستیم یا خیر، باید محورها را مدّ نظر داشته باشیم و با بررسی محورها و ذیل آنها شاخص‌ها، به سطح کنشگری خود پی ببریم. در ابتدا محورها را اینجا نقل می‌کنیم؛

۱ هویت و دغدغه درونی

۲ تسلط محتوایی

۳ مهارت‌های عملیاتی

۴ شناخت مخاطب

۵ قابلیت تعمیم

۶ مقابله

با مطالعه محوره‌های یادشده، معمولاً یک حس ناامیدی به خواننده وارد می‌شود و خود را در مقابل این محورها کمتر از آن چیزی که

